

رویکرد اقتصادی در سیاست
خارجی حزب عدالت و
توسعه:
مورد ایران (۲۰۱۴-۲۰۰۲)

رویا رسولی*

همت ایمانی**

roya.rasooli1991@gmail.com

hemmat.Imani@gmail.com

تاریخ تصویب: ۹۴/۲/۶

* دانشجوی دکتری مطالعات اروپا دانشگاه تهران

** کارشناسی ارشد روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۳

فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴، صص ۳۵-۷.

چکیده

ایران و ترکیه به عنوان دو بازیگر مهم و تاثیرگذار منطقه خاورمیانه، با وجود دارا بودن نقاط اشتراک فراوان، به لحاظ نوع حکومت، سیاست، اقتصاد، فرهنگ و حتی سیاست خارجی ویژگی‌های خاص خود را دارند. این دو قدرت منطقه‌ای اهداف متفاوتی در منطقه و همچنین در عرصه جهانی دنبال می‌کنند. از سال ۲۰۰۲، با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، شاهد تغییراتی مهم در روابط این دو کشور هستیم که متفاوت از دوران قبل است. در این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کیفی مبتنی بر اسناد تاریخی و کتابخانه‌ای، ضمن تشریح اصول و جهت‌گیری سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه، تاثیر آن را بر روابط اقتصادی ترکیه و ایران بررسی خواهیم کرد. بر این اساس، سئوالی که در این مقاله مطرح می‌شود این است که رویکرد سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه چه تاثیری بر روابط اقتصادی ترکیه و ایران گذاشته است؟ در پاسخ به این سئوال، فرضیه‌ای که مطرح می‌شود این است که علی‌رغم برخی تنش‌های سیاسی-امنیتی، روابط اقتصادی ایران و ترکیه در دهه اخیر (از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴)، نسبت به گذشته و به خصوص دهه ۱۹۹۰ بهبود یافته است و این بهبودی روابط می‌تواند تحت تاثیر رویکرد اقتصادی حزب عدالت و توسعه در سیاست خارجی و همچنین دکتترین عمق استراتژیک داوود اوغلو و سیاست مشکلات صفر با همسایگان باشد.

واژه‌های کلیدی: حزب عدالت و توسعه، رویکرد اقتصادی، روابط اقتصادی،

صادرات، واردات، سرمایه‌گذاری، انرژی، تحریم

مقدمه

امروزه تحت تاثیر فرایند جهانی شدن، شاهد گسترش همکاری‌های اقتصادی در مناطق مختلف جهان هستیم. جهانی شدن علاوه بر جهانی کردن بازارها و گسترش آنها، منجر به ایجاد یک فضای رقابتی می‌شود. در این فضای پیچیده رقابتی، تنها واحدهایی امکان بقا و رشد دارند که از قدرت اقتصادی و رقابتی بالایی برخوردار باشند. همچنین متأثر از پدیده جهانی شدن، بسیاری از کشورهای در حال توسعه به منطقه‌گرایی روی می‌آورند تا از این طریق منافع اقتصادی خود را افزایش دهند و سرمایه‌گذاری و رشد را در منطقه میسر کنند. کشورها همچنین سعی دارند که از طریق منطقه‌گرایی به مزیت رقابتی در بازارهای جهانی دست پیدا کنند تا مسائل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل و فصل نمایند. براساس نظریات لیبرالیسی همچون نهادگرایی لیبرال، همکاری بین واحدهای سیاسی ابتدا در حوزه‌های اقتصادی شکل می‌گیرد. بنابراین برای شکل‌گیری همکاری کلیه عوامل مؤثر بر همکاری‌های اقتصادی کشورها مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

ایران و ترکیه، دو بازیگر مهم منطقه خاورمیانه محسوب می‌شوند که هرکدام به لحاظ نوع حکومت، سیاست، اقتصاد، فرهنگ و حتی سیاست خارجی ویژگی‌های خاص خود را دارند و در کنار این تفاوت‌ها، از نقاط اشتراک زیادی نیز برخوردارند. همچنین تجربه تاریخی ایران و ترکیه در دو قرن اخیر از بسیاری جهات شبیه و یکسان است. هیچ‌یک از دو کشور در قرن نوزدهم که سلطه استعمار در جهان و کشورهای اسلامی رایج بود، به طور مستقیم مستعمره نشده‌اند. این دو کشور به عنوان بازماندگان دو امپراتوری ریشه‌دار و بزرگ منطقه هر دو دارای تاریخی طولانی از هویت، ملیت و سیستم اقتصادی هستند و به سبب همسایگی با

یکدیگر در طول تاریخ و دهه‌های اخیر، روابطی حسنه به خصوص در حوزه اقتصادی داشته‌اند. جهت‌گیری‌های هر یک از دو کشور ایران و ترکیه در سیاست خارجی اهمیت زیادی برای دیگری دارد و حتی دیگر کشورهای منطقه‌ای نیز بی‌توجه به مسائل این دو کشور نیستند. در خصوص روابط دو کشور باید گفت که چه در گذشته و چه در حال حاضر، دوره‌هایی را می‌توان یافت که روابط آنها دچار چالش‌های جدی بوده و در دوره‌هایی هم روابط مسالمت‌آمیز بوده است. معادلات منطقه خاورمیانه نیز بی‌تاثیر از نوع روابط این دو کشور نبوده است. صرف‌نظر از بررسی تاریخی روابط ایران و ترکیه، بعد از سال ۲۰۰۲ با پیروزی حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی و تشکیل دولت در سال بعد، نوعی دگرگونی اساسی در روابط دو کشور دیده می‌شود. بر این اساس، در این پژوهش با استفاده از روش تحقیق کیفی مبتنی بر اسناد تاریخی و کتابخانه‌ای، به بررسی جهت‌گیری این حزب در سیاست خارجی و همچنین اثرات آن بر روابط اقتصادی ایران و ترکیه می‌پردازیم. در این راستا، سؤال پژوهش این است که رویکرد سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه چه تاثیری بر روابط اقتصادی ایران و ترکیه گذاشته است؟ در پاسخ به این سؤال، فرضیه‌ای که مطرح می‌شود این است که علی‌رغم برخی تنش‌های سیاسی-امنیتی، روابط اقتصادی ایران و ترکیه در دهه اخیر (از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴)، نسبت به گذشته و به خصوص دهه ۱۹۹۰ بهبود یافته است و این بهبودی روابط می‌تواند تحت‌تاثیر رویکرد اقتصادی حزب عدالت و توسعه در سیاست خارجی و همچنین دکترین عمق استراتژیک داوود اوغلو و سیاست مشکلات صفر با همسایگان باشد.

۱. رویکرد اقتصادی در سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه

حزب عدالت و توسعه^۱ برآمده از حزب رفاه سابق است که در دهه ۱۹۹۰، قدرت را در ترکیه در دست داشت و نجم‌الدین اربکان به عنوان نخست‌وزیر در این دوره به اجرای سیاست‌های اسلام‌گرایانه در داخل و همچنین در سیاست خارجی ترکیه

1. Justice and Development Party (Turkish: Adalet ve Kalkınma Partisi/ AK PARTİ or AKP)

می‌پرداخت. ولی عمر این دولت به علت تندروری که در سیاست‌های اربکان وجود داشت، چندان طولانی نشد و با کودتای ارتش سرنگون شد. حزب عدالت و توسعه با در نظر گرفتن تجربه تلخ حزب رفاه، به عرصه سیاست ترکیه وارد شده و قدرت را به دست گرفته است. نخبگان این حزب سعی بر آن دارند که مثل اسلام‌گرایان سابق، فعالیت‌های تندرورانه نداشته باشند و بیشتر رفتار عملگرایانه در پیش بگیرند. بنابراین برخلاف حزب رفاه، مقامات حزب عدالت و توسعه با پذیرش ساختار و نظام سیاسی فعلی ترکیه به اجرای اهداف و برنامه‌های حزبی خود می‌پردازند. باید گفت که سه بار پیروزی پیاپی در عرصه انتخابات نشان دهنده نفوذ جدی حزب عدالت و توسعه در جامعه ترکیه و محبوبیت بالای آن است. دلیل موفقیت این حزب به نظر می‌رسد در میانه‌رو بودن این حزب است. مقامات حزب از جمله رجب طیب اردوغان^۱ بارها اعلام کرده‌اند که از تمام نیروهای سیاسی ترکیه در قدرت استفاده خواهند کرد و در این راستا در کنار توجه به بخش خصوصی و سرمایه‌داران اسلام‌گرای ترکیه و همین‌طور اقلیت‌های قومی و مذهبی، با ارتش و کمالیست‌ها نیز ارتباط خود را حفظ کرده است (رسولی، ۱۳۹۳: ۵۹).

این حزب در سال ۲۰۰۲ و در بستر نظامی سکولار و بدون نیاز به ائتلاف، دولت یکپارچه‌ای توسط رجب طیب اردوغان تشکیل داد. در پیروزی قاطع این حزب عوامل مختلفی نقش داشتند؛ نابسامانی اقتصادی و سیاسی قبل از ۲۰۰۲، تغییرات نسلی - جمعیتی، افول طبقه سیاسی سنتی و عدم کارایی احزاب راست و چپ در مواجهه با چالش‌های متعدد داخلی را می‌توان نام برد (Fuller, 2008: 91). در اینجا اصول مؤلفه‌های سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه که زمینه‌ساز رویکرد اقتصادی ترکیه بعد از سال ۲۰۰۲ در تعامل با دیگر بازیگران نظام بین‌الملل از جمله ایران است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دکترین عمق استراتژیک: با توجه به نقش کلیدی و تاثیرگذاری که احمد داوود اوغلو، در شکل‌دهی و اجرای سیاست خارجی این کشور پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه داشته است، برای درک و شناخت سیاست خارجی

ترکیه و اهداف آن در منطقه خاورمیانه، لازم است نگاهی به دکترین عمق استراتژیک ایشان بیاندازیم. احمد داوود اوغلو^۱ ابتدا مشاور سیاست خارجی و سپس وزیر خارجه دولت اردوغان و استاد دانشگاه در رشته روابط بین‌الملل، که از او به عنوان «کیسینجر ترکیه» یاد می‌شود، بر روند سیاست خارجی این کشور تأثیر شگرفی گذاشته است. وی صاحب دکترین عمق استراتژیک^۲ است که در کتابی به همین نام منتشر کرده است. وی در کتاب مذکور، معتقد است که «ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خاص خود دارای عمق استراتژیک است». به همین دلیل، ترکیه را در زمره کشورهایی که آنها را قدرت‌های مرکزی می‌نامد، قرار می‌دهد (Grigoriadis, 2010: 10).

منظور از عمق استراتژیک این است که ترکیه باید بر همه مناطق پیرامونی خود نفوذ داشته باشد. از آنجا که ترکیه هم یک کشور خاورمیانه‌ای است و در عین حال اروپایی، بالکانی، قفقازی هم محسوب می‌شود، در نتیجه در همه این مناطق می‌تواند نقش رهبری را برعهده بگیرد. بنابراین یکی از اصول سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه بازگشت به هویت اصیل و تاریخی خود و یادآوری این نکته است که ترکیه وارث یک امپراتوری چندملیتی بوده است (قهرمان‌پور، ۱۳۸۹). منطقه‌ای که زمانی جزء قلمرو عثمانی محسوب می‌شد، امروزه در قالب کشورهای همسایه به وجود آمده است. داوود اوغلو به عنوان معمار سیاست خارجی ترکیه، معتقد است که ترکیه امروزی همانند دولت عثمانی باید نفوذ خود را در منطقه آسیا و سایر مناطق همجوار قفقاز افزایش دهد. جمله معروف داوود اوغلو نشان‌دهنده همین مسئله است که می‌گوید: «امروز ما باید همان نفوذ عثمانی را در خاورمیانه داشته باشیم؛ با این تفاوت که به جای سربازان ترکیه‌ای، کالاهای ترکیه در آنجا حضور داشته باشد». این امر ضمن اینکه نوعی سیاست عثمان‌گرایی ترکیه را آشکار می‌سازد، علاوه بر آن نشان‌دهنده این است که رویکرد این کشور در رسیدن به منافع ملی و امنیت ملی از منطق امنیتی به منطق اقتصادی عبور کرده است (رسولی، ۱۳۹۳: ۶۸).

1. Ahmet Davutoğlu
2. Strategic Depth

سیاست خارجی چندجانبه‌گرا و چندبعدی: در طول یک دهه گذشته حزب عدالت و توسعه سعی کرده روابط ترکیه را با همه مناطق پیرامونی بهبود ببخشد و در این راستا نخبگان این کشور با در پیش گرفتن نگاه چندجانبه در سیاست خارجی، روابط خود را با اتحادیه اروپا، ناتو، امریکا، همسایگان، کشورهای منطقه، اکو، سازمان کنفرانس اسلامی، کشورهای آسیای میانه و قفقاز افزایش دادند (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۱: ۱۷۲). همچنین اصل نگاه چندبعدی در سیاست خارجی ترکیه نیز توجه به هریک از کانون‌های موجود را بدون در نظر گرفتن دیگر مناطق منتفی می‌کند (Davutoglu, 2009: 12). سیاست خارجی چندبعدی به معنای کنار گذاشتن سیاست تک‌بعدی امنیت‌محور - که در گذشته رویکرد غالب در سیاست خارجی این کشور بوده است، می‌باشد. در رویکرد جدید تصمیم‌گیران دستگاه دیپلماسی این کشور، سیاست خارجی باید ضمن توجه به مناطق مختلف، طیف وسیعی از موضوعات از ملاحظات فرهنگی گرفته تا دیپلماسی، سیاسی، امنیتی و به خصوص اقتصادی را دربرگیرد (Davutoglu, 2010: 2).

مشکلات صفر با همسایگان:^۱ برخلاف اصول سنتی کمالیست‌ها و نظامیان، استراتژیست‌های حزب عدالت و توسعه با ترسیم الگوی به صفر رساندن مشکلات با همسایگان در منطقه خاورمیانه به ایفای نقش می‌پردازند. اصل به صفر رساندن مشکلات با همسایگان، به قدرت دیپلماسی، چانه‌زنی و اقناع‌سازی اهمیت می‌دهد (صولت، ۱۳۹۰). افزایش دیدارها در سطوح بالا با همسایگان و گسترش روابط نزدیک‌تر اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی با آنها در این راستا تعریف شده است (Ghorbani, 2014: 5). همچنین ریشه‌کن کردن مشکلات مرزی، تقویت سازوکارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دیپلماسی، مذاکرات بین‌المللی برای تحکیم وابستگی متقابل چندجانبه در راستای تعمیق و توسعه روابط در سیاست مشکلات صفر با همسایگان مورد توجه قرار گرفت (Davutoglu, 2010). در این راستا باید گفت که دغدغه اصلی داوود اوغلو غیرامنیتی کردن سیاست خارجی ترکیه و توجه بیشتر به دیپلماسی اقتصادی بوده است.

اتخاذ راهبرد برد - برد (بازی با حاصل جمع متغیر): یکی دیگر از اصول سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه در راستای اتخاذ رویکرد اقتصادی، تغییر قواعد بازی از حاصل جمع صفر به بازی با حاصل جمع متغیر است. نخبگان ترکیه در سیاست خارجی خود قاعده بازی حاصل جمع صفر را کنار گذاشته و جهان را صرفاً از منظر سیاست رئالیستی و کشمکش قدرت تحلیل نمی‌کنند، بلکه رویکرد این کشور در سیاست خارجی براساس تفکرات لیبرالیستی به صورت برد-برد طراحی شده است. پیش از این، در زمان اوزال تفکر برد-برد در حیطه موضوعات سیاست سفلی و در برخی موارد سیاست علیا وجود داشت (Ari and Pirinci, 2010:3). در حقیقت نخبگان جدید ترکیه تلاش می‌کنند تا با تحلیلی مبتنی بر هزینه-فایده در مناسبات بین‌المللی، پذیرفتن الزامات بین‌المللی و در پیش گرفتن رویکرد دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی به توسعه اقتصادی هرچه بیشتر دست یابند.

تاکید بر قدرت نرم:^۱ امروزه مقامات ترکیه، تعریف خود از قدرت را تغییر داده و در رفتار سیاست خارجی علاوه بر قدرت سخت، به قدرت نرم نیز تاکید می‌کنند. از یک طرف مقامات ترکیه تلاش می‌کنند تا در روابط خود با جهان خارج و به ویژه همسایگان نزدیک از موضوعات غیرامنیتی، امنیت‌زدایی کنند و از طرف دیگر از ابزار قدرت نرم این کشور برای حل منازعات و پیش بردن اهداف خود استفاده کنند (عبدی، ۱۳۹۰: ۲۰). بنابراین در دهه اخیر نخبگان حزب عدالت و توسعه برای تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای و بازیگر تأثیرگذار جهانی، به قدرت نرم ترکیه از جمله فرهنگ، موسیقی، سینما، آیین‌های محلی، زبان ترکی، دین اسلام و اشتراکات مذهبی، اصول دموکراسی و حقوق بشر و... توجه ویژه داشته است.

دستیابی به اقتصاد قدرتمند: هدف ترکیه در برنامه توسعه خود این است که در آینده نزدیک به یکی از ۱۰ اقتصاد برتر جهان تبدیل شود. داوود اوغلو معتقد است که این کشور تا سال ۲۰۲۳ یعنی صدمین سالگرد تأسیس ترکیه نوین، باید به این هدف برسد. یکی از اقدامات مهم حزب عدالت و توسعه در راستای ارتقای جایگاه اقتصادی ترکیه توجه ویژه به بخش خصوصی بود. توجه به بخش خصوصی

1. Soft Power

در سیاست‌های اقتصادی ترکیه از دوره اوزال در دهه ۱۹۸۰ شروع شد که از آن زمان تاکنون روز به روز تقویت شده است. سیاست «بازسازی اقتصادی» و «توسعه صادرات» اوزال، باعث شد بخش خصوصی در اقتصاد وارد رقابت شود. با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، سیاست تقویت بخش خصوصی با شدت بیشتر ادامه یافت. از دیدگاه این حزب قدرتمند شدن بخش خصوصی، ضمن ارتقای اقتصاد ترکیه در عرصه جهانی، موقعیت حزب را نیز در داخل تحکیم می‌بخشد. در برنامه توسعه ۲۰۲۳ ترکیه پیش‌بینی شده که فقط در بخش کشاورزی حجم صادرات این کشور باید به رقم بالای ۱۵۰ میلیارد دلار برسد (Turkish Statistical Institute). این چشم‌انداز در صورتی قابل تحقق است که این کشور از ظرفیت بخش خصوصی و همچنین سرمایه‌گذاری شرکت‌های چندملیتی استفاده کند. در نتیجه این گونه تدابیر، امروزه شاهد این هستیم که از ۱۰۰ شرکت قدرتمند و برتر سرمایه‌گذاری در جهان، ۳ شرکت بزرگ متعلق به کشور ترکیه است.

وابستگی متقابل اقتصادی و تجارت آزاد: با ورود به عصر جهانی شدن، دغدغه رشد و توسعه اقتصادی در جهت‌دهی به سیاست خارجی کشورها نقش مهمی پیدا کرده است. مطالعه در مورد نحوه ارتباط توسعه و سیاست خارجی در ترکیه، پیوند مذکور را به روشنی نشان می‌دهد. امروزه با روی آوردن ترکیه به توسعه اقتصادی، اعتمادسازی و بهبود مناسبات با کشورهای دیگر در سیاست خارجی این کشور پررنگ‌تر شده است. در رویکرد سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه که با هدف دستیابی به جایگاه برتر در رقابت با دیگر کشورهای توسعه‌یافته طراحی شده است، به همگرایی اقتصادی این کشور با اقتصاد جهانی و همچنین همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای تاکید شده است. بنابراین از جمله اصول مهم حزب عدالت و توسعه در سیاست خارجی، ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی و تجارت آزاد به خصوص در مناطق پیرامونی ترکیه است.

۲. روابط سیاسی ایران و ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه

روابط سیاسی و دیپلماتیک ایران و ترکیه طی یک دهه گذشته، از یک نمودار زیگزاگی شکل تبعیت کرده است. در حوزه مسائل سیاسی، بسیاری از مسائل

زمینه‌ساز همکاری دو کشور بوده است. از جمله می‌توان به مسئله کردی اشاره کرد که امروزه تهدید مشترک دو کشور محسوب می‌شود و همین تهدید مشترک، زمینه همکاری و ائتلاف دو کشور را فراهم آورده است. در کنار این مسائل، برخی از متغیرهای ذکر شده عاملی برای تنش در روابط دو کشور بوده و زمینه فاصله‌گیری دو کشور را از هم به وجود آورده است. از جمله این مسائل می‌توان به مسئله سوریه، مسئله ناتو و همکاری ترکیه با این سازمان و یا روابط ترکیه با امریکا و استقرار سپر دفاع موشکی غرب در خاک ترکیه اشاره کرد. نکته جالب این که برخی متغیرها هم نقش دوگانه در روابط دو کشور داشته است که تجزیه و تحلیل آنها پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. از جمله این متغیرها می‌توان به مسئله عراق و یا مهم‌تر از آن مسئله هسته‌ای ایران اشاره کرد. در حوزه عراق در برخی مسائل از جمله مسئله کردستان عراق، دو کشور با تهدید مشترک مواجه هستند که زمینه همکاری آنها را فراهم کرده است و از طرف دیگر، در برخی مسائل مربوط به عراق از جمله دولت مرکزی عراق و سهم‌خواهی گروه‌های شیعه و سنی، دو کشور در رقابت هستند تا بیشترین نفوذ را داشته باشند. اما در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که روابط نسبت به سال‌های قبل از ۲۰۰۲ بهبود یافته و دو کشور بیشتر به هم نزدیک شده‌اند (رسولی، ۱۳۹۳: ۱۷۸).

برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که دولت حزب عدالت و توسعه در گسترش روابط با ایران، هم دلایل اقتصادی داشت و هم دلایل ایدئولوژیک. برخلاف دولت سکولار سابق ترکیه، دولت اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه از نظر صدور اسلام انقلابی به ترکیه از جانب ایران دیگر نگرانی ندارد؛ چون اولاً امروزه رویکرد انقلابی ایران در سیاست خارجی بسیار تعدیل شده است؛ ثانیاً خود این حزب جریان‌های اسلامی در ترکیه را نمایندگی می‌نماید و حامیان‌اش موافق گسترش روابط با کشورهای مسلمان از جمله ایران بودند.

سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه که به وسیله اردوغان و داوود اوغلو طرح‌ریزی و اجرا شد، تاکید زیادی بر گسترش روابط با همه کشورهای پیرامونی ترکیه به ویژه کشورهای خاورمیانه‌ای داشت. در این راستا همکاری‌های ایران و ترکیه نیز متأثر از اصول سیاست خارجی جدید همچون مشکلات صفر با

همسایگان، اتخاذ سیاست چندجانبه و چندبعدی، تاکید بر قدرت نرم در روابط با دیگران به جای قدرت سخت و ایجاد وابستگی متقابل با همسایگان است. اولویت اصلی نخبگان حزب عدالت و توسعه در طراحی رویکرد سیاست خارجی ترکیه، کسب منافع اقتصادی و تجاری هرچه بیشتر در ارتباط با دنیا بود و در این زمینه ایران به عنوان یک فرصت مهم شناخته شد. از طرفی دیگر ایران نیز جهت کاهش اثرات تحریم‌های بین‌المللی و خروج از انزوای اقتصادی، به همکاری ترکیه نیازمند بود. هنوز هم با وجود برخی تنش‌ها و تضاد منافع در مورد برخی مسائل سیاسی-امنیتی منطقه‌ای از جمله سوریه و عراق، روابط اقتصادی طرفین در حال رشد است. یکی از مهم‌ترین اقدامات ترکیه در راستای به صفر رساندن مشکلات خود با ایران، حل تدریجی مسئله کرد و کاهش نگرانی‌های مرزی بود. این سیاست ضمن کمک به کاهش تنش‌های موجود بین دو کشور، زمینه بهبود روابط اقتصادی و همکاری‌های مرزی را فراهم کرد. در حقیقت دو کشور به تدریج با تعامل هرچه بیشتر، بر نگرانی‌های امنیتی فائق آمدند و با نگاهی عملگرایانه روابط اقتصادی خود را گسترش دادند و در مناطق مرزی بین دو کشور نیز زمینه شکل‌گیری بازار مشترک را تقویت نمودند (Habibi, 2012: 13).

۳. روابط اقتصادی ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه

ترکیه، کشوری غیرعرب و مسلمان در همسایگی شمال غربی ایران است که با بخش وسیعی از جامعه ایران دارای اشتراکات فرهنگی و نزدیکی‌های قومی و زبانی است. از طرف دیگر موفقیت‌های چشمگیر این کشور در توسعه، اقتصاد بازار آزاد، دروازه ورود ایران به اروپا، میانجی مناسب برای ایران در تعامل با غرب از دیگر امتیازات روابط با ترکیه است. بنابراین شناخت این کشور و روندهای موجود در این کشور و تأثیر آنها بر روابطش با ایران بسیار حائز اهمیت است. تحکیم روابط و گسترش همکاری‌های اقتصادی و سیاسی با این کشور، در راستای منافع ملی و توسعه اقتصادی ایران است. از طرف دیگر، ترکیه به عنوان مهم‌ترین بازیگر منطقه‌ای تلاش می‌کند در آینده به اتحادیه اروپا بپیوندد و این موضوع برای ایران به عنوان کشوری که همسایه دیوار به دیوار ترکیه محسوب می‌شود، بسیار حائز

اهمیت است؛ چرا که ترکیه نه تنها پلی میان شرق و غرب بلکه به عنوان دروازه ورود ایران به اروپا محسوب می‌شود و در صورت بهبودی روابط با این کشور، مسیر تعاملات ایران با غرب هموارتر خواهد شد.

با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، روابط ترکیه با ایران تحت تاثیر رویکرد جدید سیاست خارجی ترکیه به خصوص اصل مشکلات صفر با همسایگان، بهبود یافت. هر چند قبلاً در پیچه‌های اولیه بهبودی روابط این دو کشور، با روی کار آمدن اوزال در ترکیه و هاشمی در ایران باز شده بود، اما باید گفت با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه روابط اقتصادی دو کشور به خاطر رویکرد جدیدی که رهبران این حزب در پیش گرفته‌اند، هر چه بیشتر گسترش یافت. راهبرد دولت برآمده از حزب عدالت و توسعه از این واقعیت ناشی می‌شد که رویکرد سیاست خارجی پیشین، ترکیه را در عرصه بین‌المللی منزوی کرده و باعث شده که ترکیه نتواند از تمام ظرفیت‌های خود در سیاست خارجی استفاده کند. بر این اساس، بازگرداندن عمق تاریخی و بهره‌گیری از عمق ژئوپلیتیک، از اولویت برنامه‌های حزب عدالت و توسعه در نظر گرفته شد. حاصل چنین رویکردی این شد که نفوذ ترکیه در شرق دور، آسیا، بالکان، قاره افریقا و به ویژه خاورمیانه، در کنار روابط این کشور با غرب نسبت به گذشته افزایش پیدا کرد.

در این راستا ایران به عنوان همسایه‌ای با بازار مصرف بزرگ، در اولویت برنامه‌ریزی‌های نخبگان سیاست خارجی ترکیه قرار گرفت و به تدریج روابط دو کشور به خصوص در عرصه اقتصادی بهبود یافت. افزایش دید و بازدیدهای بین مقامات دو کشور موجب آشنایی هر چه بیشتر تصمیم‌گیران با توانایی‌ها، امکانات و امتیازات متقابل در مسیر توسعه روابط شده است (اکبری، ۱۳۸۷: ۱۸۴).

رویکرد ایران در روابط اقتصادی ایران و ترکیه: ایران با توجه به اهداف چشم‌انداز بیست ساله و برنامه توسعه اقتصادی کشور، به دنبال دستیابی به مقام اول اقتصادی در منطقه است. یکی از ملزومات رسیدن به این هدف این است که ایران، هم با کشورهای فرامنطقه‌ای دارای اقتصاد قدرتمند و هم با همسایگان روابط اقتصادی گسترده‌ای با هدف ارتقای جایگاه اقتصادی خود برقرار کند. در این راستا ترکیه به عنوان یک همسایه توسعه یافته، از پتانسیل‌های زیادی جهت گسترش

همکاری‌های اقتصادی با ایران برخوردار بوده و ایران در سال‌های اخیر گام‌های مثبتی جهت بهبود روابط اقتصادی با این کشور برداشته است. از طرف دیگر، ترکیه هم با توجه به هدف اصلی برنامه توسعه خود مبنی بر داشتن یک اقتصاد قدرتمند و کسب رتبه ۱۰ اقتصاد برتر جهان، به دنبال بهبود شرایط کسب و کار اقتصادی در محیط پیرامونی خود، تنش‌زدایی و بهبودی روابط با همسایگان خود است. با توجه به این مسائل باید گفت که دو کشور از شرایط مناسبی برای تداوم همکاری اقتصادی برخوردارند.

مقامات ایران به خوبی می‌دانند که علی‌رغم تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای امریکا، در این چند سال اخیر ترکیه روابط اقتصادی خود با ایران را گسترش داده است. از طرفی دیگر به دلیل ارتباط نزدیک این کشور با کشورهای صنعتی پیشرفته، ایران می‌تواند به واسطه آن زمینه‌های لازم برای تعامل بیشتر با دنیا را کسب کند تا به علم و تکنولوژی روز در راستای توسعه خود دست پیدا کند. از آنجایی که ترکیه تحت حاکمیت حزب عدالت و توسعه راهبرد برد-برد در سیاست خارجی خود اتخاذ کرده و به دنبال بازی با حاصل جمع متغیر است، بنابراین گسترش روابط اقتصادی با این کشور برای ایرانی که در نظام بین‌الملل منزوی است، یک فرصت محسوب می‌شود.

رویکرد ترکیه در روابط اقتصادی ایران و ترکیه: از دید رهبران فعلی ترکیه، رابطه با ایران، به عنوان کشوری همسایه که دارای ذخایر عظیم انرژی است، بسیار حائز اهمیت است. نخبگان ترکیه در راستای تنوع دادن به منابع وارداتی انرژی با هدف تضمین امنیت آن، بر این باورند که ایران می‌تواند در این راستا شریک قابل اعتمادی باشد و ترکیه را از وابستگی به گاز روسیه و آسیب‌پذیری در برابر استفاده سیاسی این کشور از اهرم انرژی حفظ کند. از طرفی دیگر از آنجایی که اقتصاد ترکیه نسبت به ایران قدرتمندتر است، بنابراین بازار مصرف ایران برای کالاهای ترکیه‌ای یک فرصت استثنائی است. همچنین کالاهای تولیدی ترکیه در بازارهای اشباع شده کشورهای اروپایی، اروپای شرقی و امریکا جایگاه کم‌تری نسبت به بازار ایران دارند. حتی در بازارهای کشورهای خاورمیانه به ویژه کشورهای عربی که روابط خوبی با اروپا و امریکا دارند، ترکیه از توان رقابتی بالایی برخوردار نیست.

بنابراین یکی از مناسب‌ترین بازار برای کالاهای ترکیه بازار ایران است که به دلیل تنش در روابط ایران با غرب، شرکت‌های غربی حضور کم‌رنگی دارند و در نتیجه ظرفیت‌های گسترده‌تری برای شرکت‌های ترکیه نسبت به بازار دیگر کشورهای منطقه وجود دارد.

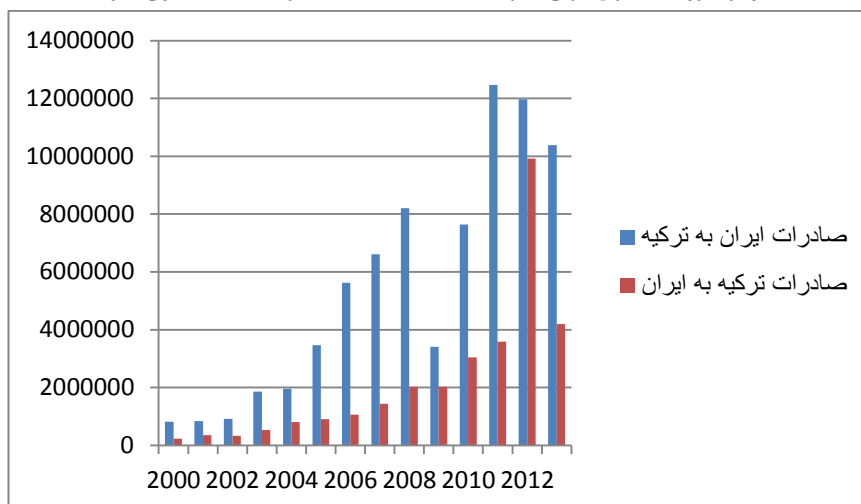
بهبود روابط تجاری ایران و ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه: از آنجایی که یکی از اصول سیاست خارجی دولت حزب عدالت و توسعه، تقویت روابط اقتصادی با کشورهای همسایه، افزایش تجارت خارجی و ایجاد وابستگی متقابل با سایر کشورها به ویژه همسایگانش بود، با روی کار آمدن این حزب در سال ۲۰۰۲، تجارت با ایران، به طور چشمگیری افزایش یافت. از یک طرف سوءتفاهم‌های حمایت ایران از پ.ک.ک.^۱ و حمایت ترکیه از مجاهدین خلق برطرف شده بود، از طرف دیگر نیز اقتصاد ترکیه با درگیر شدن در بحران اقتصادی در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۰، دچار رکود شده بود؛ این‌گونه مسائل ترکیه را برانگیخت تا روابط اقتصادی خود با ایران را تقویت کند.

اصل وابستگی متقابل، نه تنها به عنوان یک پایه و اساس مفهومی در سیاست خارجی ترکیه مطرح است، بلکه با مبنا قرار گرفتن این اصل به عنوان یکی از اصول سیاست خارجی جدید ترکیه، رشد چشمگیر تجارت دوجانبه را بعد از سال ۲۰۰۲ بین ترکیه و ایران شاهد هستیم (Today's Zaman, 2011). در حالی که حجم تجارت ایران و ترکیه در دهه ۱۹۹۰ زیر یک میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۰ یک میلیارد و پنجاه میلیون دلار بود، پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و برقراری روابط مناسب اقتصادی میان دو کشور، این رقم در سال ۲۰۰۵ به ۴ میلیارد و ۳۳۰ میلیون دلار رسید. این رشد تجاری در سال‌های بعد نیز همچنان ادامه یافت. به طوری که در سال ۲۰۰۸ به ۱۰ میلیارد و ۴۳۰ میلیون دلار رسید. این آمار بدین معنی است که طی کم‌تر از ده سال روابط تجاری میان ایران و ترکیه به ده برابر افزایش یافته است. همچنین این واقعیت‌ها نقش حزب عدالت و توسعه را در توسعه روابط اقتصادی با ایران آشکار می‌سازد. جدول زیر بیانگر میزان رشد روابط

1. Kurdistan Workers' Party (Partiya Karkerên Kurdistanî) (PKK)

تجاری دو کشور در دوره حزب عدالت و توسعه است.

نمودار ۱: روابط تجاری ایران - ترکیه (۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳) با ضریب ۱۰۰۰ میلیون دلار



منبع: Turkish Statistical Institute

همان‌گونه که در نمودار مشخص شده است، بعد از سال ۲۰۰۲ (با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه)، میزان صادرات و واردات ایران و ترکیه رشد چشمگیری را تجربه کرده است که اوج آن در سال‌های ۲۰۱۰ به بعد بخصوص سال ۲۰۱۲ اتفاق افتاده است. بر این اساس، میزان واردات ترکیه از ایران در دهه اخیر معادلات قبلی در روابط اقتصادی دو کشور را تغییر داد. در حالی که در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ میزان واردات ترکیه از ایران حدود ۱,۵ درصد از کل واردات این کشور را تشکیل می‌داد، این رقم در سال ۲۰۰۵ به حدود ۳,۵ درصد و در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ به حدود ۴ درصد افزایش یافته است. اگرچه رشد صادرات ایران به ترکیه در سال ۲۰۰۹ به دلیل مشکلات داخلی ایران و به عقیده برخی، بحران اقتصادی ادامه نیافت و با کاهش ۱,۵ درصدی به حدود ۲,۵ درصد کل واردات ترکیه رسید، اما همین میزان نیز نشان از توجه طرفین به ادامه روابط اقتصادی گسترده دارد (نمودار ۱).

روابط تجاری غیرنفتی ایران و ترکیه (در دوره ۲۰۱۴-۲۰۰۲): براساس دکترین عمق استراتژیک حزب عدالت و توسعه، تصمیم‌گیران سیاست خارجی

ترکیه در تلاش‌اند تا نفوذ این کشور در مناطق مجاور را با هدف تسخیر بازار مصرف منطقه‌ای افزایش دهند. در خصوص روابط ترکیه با ایران نیز باید گفت که در نتیجه برنامه‌ریزی نخبگان این کشور، روابط تجاری دو کشور در حوزه غیرنفتی رشد قابل توجهی در دهه اخیر داشته است و تراز روابط تجارت دو کشور بدون در نظر گرفتن بخش انرژی، کاملاً به نفع ترکیه است (Turkish Statistical Institute).

با این حال از آنجایی که اقتصاد ایران هنوز یک اقتصاد سستی است، محدودیت‌های بسیاری برای گسترش روابط اقتصادی با ترکیه ایجاد می‌کند. به عقیده برخی از تجار ترکیه‌ای، برخی موانع عمده تجاری در ایران برای تجارت خارجی وجود دارد که انگیزه‌های اقتصادی برای تجارت با ایران را کم‌رنگ می‌کند. برای نمونه می‌توان به وضع تعرفه‌های سنگین به کالاهای وارداتی در گمرک ایران، بی‌ثباتی و تغییرات پیش‌بینی نشده و آبی نرخ تعرفه‌ها در گمرک، تأخیر در صدور مجوز ترخیص کالا از گمرک، قیمت بالای سوخت در ترانزیت کالا داخل ایران برای طرف‌های خارجی و... اشاره کرد. همه این عوامل باعث می‌شود انگیزه‌های تجار خارجی برای تجارت با ایران کم شود.

روابط تجاری ایران-ترکیه در حوزه منابع انرژی: از نظر مقامات ترکیه

همکاری با ایران در بخش انرژی به لحاظ اقتصادی بسیار مقرون به صرفه است و در طول سال‌های اخیر، دو کشور موافقت‌نامه‌های گوناگونی امضاء کردند. در ماه می ۱۹۹۵، دولت ترکیه قرارداد ۲۰ میلیارد دلاری با ایران تنظیم نمود تا مقادیر عظیمی از گاز ایران از طریق خط لوله انتقال داده شود. در آگوست ۱۹۹۶، نجم‌الدین اربکان به تهران سفر کرد و قرارداد مذکور را نهایی نمود و قرار شد خط لوله‌ای از تبریز تا ارزروم احداث شود. در آن زمان طرح‌هایی وجود داشت که این خط لوله را به خط لوله‌ای که در حال حاضر بین ایران و ترکمنستان است، متصل کند. در دسامبر ۱۹۹۶ وزیر انرژی ایران، ترکیه و ترکمنستان توافق نمودند که تا ۸ میلیارد متر مکعب از گاز ترکمنستان از طریق ایران به ترکیه صادر شود. این اولین قدم برای نشان دادن ایران به عنوان مرکز مسیر خطوط لوله و بهترین بستر برای این کار در منطقه و گشودن حصار آسیای مرکزی بود. ولی با مخالفت امریکا با این طرح اراده ترکیه نیز سست شد تا جایی که در پی تعویق قرارداد خود با ایران که



قرار بود در ژانویه ۲۰۰۰ پمپاژ آن شروع شود، در سال ۲۰۰۱ کوکان یارديم، مدیرعامل شرکت دولتی خطوط لوله ترکیه بوتاش، بحران‌های اقتصاد جهانی را عامل عملکرد کند این شرکت در اجرای قرارداد اعلام نمود. با وجود کارشکنی‌های زیاد سرانجام در سال ۲۰۰۱ گاز ایران به ترکیه صادر شد. این مسئله پس از دو سال تأخیر و با صرف ۱۸۶۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری تحقق یافت (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳). این طرح همان طرحی بود که در آن زمان از آن به عنوان «پل انرژی» میان ایران، ترکیه و یونان با هدف انتقال گاز ایران به اروپا یاد می‌شد.

باید گفت مهم‌ترین بخش روابط اقتصادی ایران و ترکیه بخش انرژی است. ایران یک کشور مهم در صادرات منابع انرژی نفت و گاز است و ترکیه نیز به شدت به واردات نفت و گاز وابسته است. علاوه بر این در پرتو تفاهم‌نامه‌هایی که این دو کشور در زمینه صدور گاز ایران به اروپا از طریق خاک ترکیه و گاز ترکمنستان به اروپا از طریق خاک ایران و ترکیه و همچنین همکاری در توسعه مناطق استخراج گاز عسلویه و ادامه روند بازرگانی نفت امضاء کردند، حجم مبادلات بازرگانی دو کشور نیز افزایش چشمگیری پیدا کرد.

اثرات تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران بر روابط اقتصادی ایران با ترکیه (۲۰۱۴-۲۰۲۰): یکی از دلایل اصلی تمایل ایران برای ارتقاء و گسترش روابط اقتصادی گسترده با ترکیه، تلاش برای کاستن اثرات تحریم‌های بین‌المللی، تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و اتحادیه اروپا است. ترکیه با توجه به روابط گسترده و نزدیکی که با اروپا و آمریکا دارد، نشان داده می‌تواند با میانجیگری بین ایران و غرب کمک زیادی به کاستن تأثیر تحریم‌ها و خروج ایران از انزوای اقتصادی انجام دهد. از طرفی دیگر با تعمیق روابط اقتصادی بین ایران و ترکیه، این کشور در خصوص تحریم ایران، همکاری چندانی با کشورهای غربی نمی‌کند. در حال حاضر ترکیه از معدود کشورهایی است که ایران سعی دارد با کمک آن اوضاع اقتصادی خود را در وضعیت انزوای بین‌المللی‌اش بهبود بخشد.

با بحرانی شدن پرونده هسته‌ای ایران در دوره اصول‌گرایان و ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، تحت تأثیر فشارهای اقتصادی و دیپلماتیک آمریکا، حتی امارات متحده عربی نیز -که اصلی‌ترین مسیر ورود کالا به ایران بود- صادرات کالا به ایران را

محدود کرد و از سال ۲۰۰۸، به مرور ترکیه جایگزین امارات متحده عربی شد. دولت ترکیه، با وجود تحریم‌های امریکا نه تنها از سرمایه‌گذاران ایرانی استقبال کرد، بلکه امکانات و تسهیلات خاصی را برای جذب بیشتر این سرمایه‌ها انجام داد. در حالی که در سال ۲۰۰۲ فقط ۳۱۹ شرکت ایرانی در ترکیه وجود داشت، براساس آخرین آمار دولت ترکیه، در سال ۲۰۱۱ بیش از ۱۴۷۰ شرکت ایرانی در این کشور فعالیت داشتند. عمده این شرکت‌ها در بخش روابط تجاری دو جانبه دو کشور فعال هستند و تعدادی از آنها هم با کمک شرکت‌های ترکیه‌ای به دور زدن تحریم‌ها و واردات کالا از اروپا به ایران مشغول هستند (Habibi, 2012: 7).

در واقع می‌توان گفت ترکیه از طرفی به نیاز امریکا برای حمایت از سیاست‌هایش در منطقه کاملاً واقف است و در این راستا با سیاست‌های کلان امریکا در منطقه همراه است. حتی در برخی موارد مثل مسئله سوریه، در سرنگونی بشار اسد شدیدتر از امریکا عمل می‌کند. از طرفی دیگر، در مواقع حساس مثل بحث استقرار سامانه سپر دفاع موشکی ناتو در ترکیه، با دادن امتیازاتی هر دو طرف را از خود راضی نگاه می‌دارد. علی‌رغم همه این مقاومت‌ها و بده‌بستان‌های موجود باید گفت که روابط اقتصادی ایران و ترکیه چندان هم از تاثیرات تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای امریکا در امان نمانده است. فشارهای امریکا در خصوص بخش انرژی کاملاً اثرگذار بوده است و از سرمایه‌گذاری ترکیه در بخش انرژی ایران جلوگیری کرده است. در سال ۲۰۰۷، شرکت نفت دولتی ترکیه^۱ به منظور توسعه فاز سوم میدان گازی پارس جنوبی، تفاهم‌نامه‌ای با ایران امضاء نمود ولی به خاطر فشارهای امریکا و تحریم‌های بین‌المللی، طرفین نتوانستند در این پروژه پیشرفتی داشته باشند. در نوامبر ۲۰۰۸، قرارداد گازی بین ایران و ترکیه امضاء شد. طبق این قرارداد گاز ایران از طریق ترکیه به اروپا صادر می‌شد و ترکیه در توسعه میدان گازی پارس جنوبی به ایران کمک می‌نمود. همچنین ترکیه ۵,۵ میلیارد دلار در پارس جنوبی برای استخراج سالانه ۲۰-۳۵ میلیارد متر مکعب گاز سرمایه‌گذاری می‌کرد که بر اثر فشارهای سیاسی امریکا، ترکیه آن را از دستورکار خارج نمود. در

سفر رجب طیب اردوغان به ایران در اکتبر سال ۲۰۰۹، بار دیگر موضوع انتقال گاز ایران به اروپا از طریق ترکیه مورد بررسی قرار گرفت و بر منافع طرفین در این پروژه تاکید شد. با توجه به هدف ترکیه برای تبدیل شدن به هاب انرژی در منطقه، دولت این کشور تلاش‌های زیادی در این خصوص انجام داد ولی سرانجام در جولای ۲۰۱۰، در ظاهر به بهانه یافت نشدن زمین‌های مشترک برای سرمایه‌گذاری و استخراج گاز و در عمل به خاطر فشار امریکا طرح خود مبنی بر سرمایه‌گذاری در پارس جنوبی را کنار گذاشت (Stephen, 2013: 31). البته در آن زمان در مطبوعات ترکیه عنوان شد که عدم موفقیت در همکاری ترکیه با ایران در حوزه گاز به غیرقابل پیش‌بینی بودن ایران نیز ارتباط دارد. بارها اتفاق افتاده است که ایران در طول زمستان هفته‌های متمادی گاز صادراتی به ترکیه را قطع کند. هرچند که این مسئله به خاطر ضعف زیر ساخت‌های انتقال گاز در داخل ایران مربوط است نه استفاده از آن به عنوان اهرم سیاسی ولی در هر صورت این اتفاقات از اعتبار این کشور برای همکاری گسترده با ترکیه در این حوزه می‌کاهد (Kardash, 2010: 13).

علاوه بر حوزه انرژی، در بخش‌های اقتصادی دیگر در ظاهر تحریم‌ها چندان مانع فعالیت شرکت‌های ترکیه‌ای در ایران نشده‌اند. به دلیل حمایت‌های سیاسی لازم و وجود انگیزه قوی اقتصادی در دو کشور، روابط اقتصادی بین طرفین با وجود ریسک‌های زیاد، روز به روز در حال پیشرفت است. طبق آمار در اواخر سال ۲۰۱۱، نزدیک به ۲۰۰ شرکت ترکیه‌ای در ایران و بیش از دو هزار شرکت ایرانی نیز در ترکیه فعالیت می‌کردند (Jenkins, 2011).

در نهایت باید گفت که نخبگان ترکیه در راستای توسعه اقتصادی و ارتقای جایگاه اقتصادی این کشور در نظام بین‌الملل در رقابت با کشورهای توسعه‌یافته، با وجود تحریم‌های بین‌المللی، ایران را گزینه مناسبی برای همکاری اقتصادی می‌دانند. هرچند که در عمل شاهد هستیم که تحریم‌های بین‌المللی هزینه تجارت با ایران را برای ترکیه بالا برده است و روابط اقتصادی دو کشور همواره با افت و خیز مواجه شده است. سرمایه‌گذاری ترکیه در ایران نیز تحت‌تاثیر این مسائل رشد قابل توجهی نکرده و این کشور صرفاً از آب گل‌آلود تحریم ایران، ماهی می‌گیرد.

همکاری اقتصادی ایران و ترکیه در قالب سازمان‌های منطقه‌ای: امروزه

کشورهای در حال توسعه برای مواجهه با پدیده جهانی شدن اقتصاد و در امان ماندن از آسیب‌های جهانی شدن، به منطقه‌گرایی روی می‌آورند تا از این طریق اقتصاد خود را در مقابل رقابت جهانی تقویت نمایند و به تبع آن در عرصه جهانی نیز جایگاه خود را ارتقاء دهند. کشورها همچنین سعی دارند که از طریق منطقه‌گرایی به مزیت رقابتی در بازارهای جهانی دست پیدا کنند. ترکیه و ایران نیز در چهارچوب نهادهایی همچون گروه دی هشت، سازمان اکو و سازمان کنفرانس اسلامی سعی داشته‌اند اقتصاد خود را تقویت کنند. این دو کشور جایگاه فراتری از دیگر همسایگان برای خود در منطقه قائل هستند و درصدد رهبری مسائل منطقه‌ای می‌باشند، بر این اساس از سازمان‌های منطقه‌ای هم به عنوان فرصتی برای نفوذ هرچه بیشتر در منطقه استفاده می‌کنند.

یکی از سازمان‌های اقتصادی منطقه‌ای، گروه دی هشت است. این نهاد گروهی اقتصادی متشکل از هشت کشور در حال توسعه اسلامی از جمله ایران، ترکیه، پاکستان، بنگلادش، اندونزی، مالزی، مصر و نیجریه است. این گروه در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۷ (۲۵ خرداد ۱۳۷۶)، به پیشنهاد نجم‌الدین اربکان رهبر حزب اسلام‌گرای «رفاه» و نخست‌وزیر وقت ترکیه و با هدف تقویت همکاری‌های اقتصادی کشورهای عضو تشکیل شد. در چهارچوب گروه دی هشت دو کشور ایران و ترکیه به عنوان اعضای مؤسس و محوری، روابط قابل‌توجهی دارند که دارای ظرفیت فراوانی برای پیشبرد منافع مشترک جمعی است و می‌تواند نقش مؤثری در ساختار اقتصادی منطقه بازی کند.

دیگر سازمان منطقه‌ای که ترکیه و ایران همکاری‌های خوبی در چهارچوب آن دارند، سازمان همکاری اقتصادی (اکو)^۱ است. اکو یک سازمان اقتصادی منطقه‌ای است که سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه در سال ۱۳۴۱ (۱۹۶۲) نخستین بار این آن را پایه‌ریزی کردند. این سازمان در ابتدا با نام «آر سی دی» - که نام اختصاری سازمان همکاری عمران منطقه‌ای - است، آغاز به کار کرد. پس از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷)، وقفه‌ای در کار سازمان ایجاد شد ولی در سال ۱۳۶۴، با تغییر نام به

1. Economic Cooperation Organization

«اکو» حیات خود را از سر گرفت (Sedona, 2012). طبق اساسنامه این سازمان، اکو برای بهبود شرایط توسعه اقتصادی پایدار کشورهای عضو و حذف تدریجی موانع تجاری در منطقه تلاش می‌کند. از دیگر اهداف اکو، تهیه برنامه مشترک برای توسعه منابع انسانی در ده کشور عضو است. این سازمان همچنین برای تسریع برنامه توسعه حمل و نقل و ارتباطات نیز فعالیت می‌کند. سازمان همکاری اقتصادی (اکو) از اهمیت خاصی در روابط ایران و ترکیه برخوردار است. این سازمان به عنوان نمودی آشکار از همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای است. دو کشور ایران و ترکیه همواره در صدد دستیابی به نقش محوری در این سازمان هستند. به نظر می‌رسد قبول و اجرای طرح‌های سرمایه‌گذاری مشترک و یا همکاری‌های اقتصادی و فنی دوجانبه در قالب اکو، به تدریج امتیازات قابل ملاحظه‌ای برای این دو کشور به وجود خواهد آورد؛ ضمن اینکه سرمایه‌گذاری‌های مشترک راحت‌تر و موفق‌تر، موانع گمرکی و تجاری ایجاد شده از سوی رقبای منطقه‌ای و جهانی را خنثی می‌کند (ازغندی، ۱۳۸۷: ۳۵). مقامات ترکیه در تلاش هستند تا با محوری قلمداد کردن نقش خود در سازمان اکو، ترکیه را به عنوان حلقه واسطه بین سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو)، جامعه اروپا و سایر پیمان‌های منطقه‌ای معرفی کنند (Centinsaya, 2007: 18).

سومین سازمان منطقه‌ای، سازمان کنفرانس اسلامی است. این سازمان به عنوان نهادی که ایران و ترکیه از اعضای فعال آن به شمار می‌روند در تعمیق روابط دو کشور اثرگذار بوده است. این سازمان بیشتر جنبه سیاسی داشته و کم‌تر به همکاری‌های اقتصادی توجه کرده است.

نتیجه‌گیری

بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه روابط اقتصادی ایران و ترکیه گسترش یافته است. ادعای مقاله این است که افزایش مبادلات اقتصادی بین دو کشور متأثر از جهت‌گیری جدید در سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی نخبگان ترکیه است. ایران نیز همواره علاقه‌مند به توسعه روابط با ترکیه بوده است؛ هرچند که در عمل اقدامات سازنده قابل توجهی که بتواند تأثیر اساسی بر حل مسائل بین

دو کشور داشته باشد، در پیش نگرفته است. در این زمینه باید گفت که سیستم تعرفه‌ای ایران مانعی بزرگی بر سر راه ورود کالاهای ترکیه‌ای محسوب می‌شود. دولت برآمده از حزب عدالت و توسعه با توجه به رویکرد جدیدی که در سیاست خارجی در پیش گرفت، در زمینه اقتصادی موفقیت‌های چشمگیری به دست آورد. این مسئله به تدریج موجب ارتقای جایگاه ترکیه در نظام بین‌الملل و جذابیت این کشور به طور ویژه در بین دولت‌ها و افکار عمومی کشورهای منطقه خاورمیانه شد. در راستای تأیید این مسئله در جدول ۱ تعدادی از شاخص‌های اقتصادی ذکر شده است که وضعیت اقتصادی ترکیه در سال‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۰۸ به صورت مقایسه‌ای نشان داده شده است.

جدول ۱. مقایسه اقتصاد ترکیه بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۸

| شاخص‌ها | سال ۱۹۸۰ | سال ۲۰۰۸ |
|-----------------------------------|------------------|------------------|
| تعداد شرکت‌های اقتصادی | ۹۰۰۰۰ | ۶۴۰۰۰۰ |
| تولید ناخالص داخلی / میلیارد دلار | ۷۰ | ۷۰۰ |
| سرانه تولید ناخالص داخلی | ۱۵۰۰ دلار | ۹۰۰۰ دلار |
| واردات | ۳ میلیارد دلار | ۱۳۲ میلیارد دلار |
| صادرات به ازای هر کارگر | ۶۵ دلار | ۱۸۰۰ دلار |
| تعداد صادرکنندگان | ۱۰۰۰ | ۴۷۰۰۰ |
| درآمد حاصل از توریسم | ۰/۳ میلیارد دلار | ۲۱ میلیارد دلار |
| رتبه اقتصادی در جهان | ۲۵ | ۱۷ |

براساس شاخص‌های ذکر شده در جدول ۱ به وضوح می‌توان به موفقیت‌های اقتصادی چشمگیر ترکیه تحت حاکمیت حزب عدالت و توسعه نسبت به دولت‌های قبل پی‌برد. این موفقیت‌ها از طرفی تأثیر رویکرد جدید سیاست خارجی این کشور را در شکوفایی اقتصادی آن نشان می‌دهد و از طرف دیگر، نمایان‌گر ظرفیت ترکیه در زمینه همکاری اقتصادی با دیگر کشورهای منطقه که جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌های حزب عدالت و توسعه داشته‌اند، است. بی‌تردید نفوذ ترکیه به بازار مصرف کشورهای عربی منطقه و گسترش همکاری‌های اقتصادی با ایران، نقش اساسی در موفقیت‌های اقتصادی این کشور داشت. همان‌طور که در بخش‌های قبلی تشریح شد، از سال ۲۰۰۲ به بعد، تحت‌تأثیر تحریم‌های بین‌المللی، ترکیه گزینه مناسبی برای ایران در نظر گرفته شد؛ چرا که ترکیه یکی از اصلی‌ترین مسیرهایی است که نیازهای اقتصادی ایران از آن طریق تامین می‌شود و متقابلاً بازار

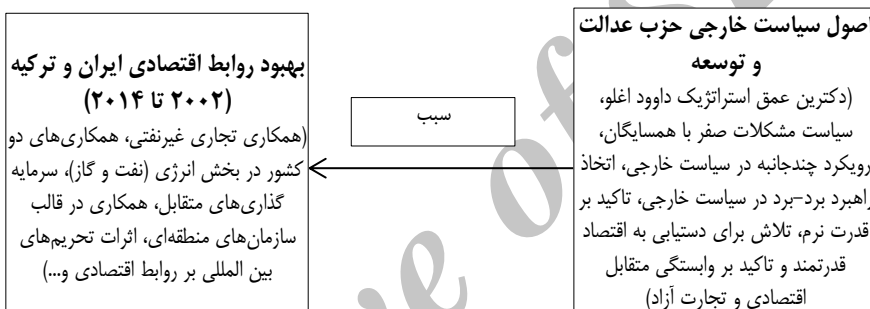


مصرف این کشور نیز به روی کالاهای ترکیه‌ای باز است؛ ضمن اینکه منابع انرژی ایران نیز برای ترکیه زمینه همکاری مناسبی محسوب می‌شود.

براساس نظریات لیبرالیستی همچون نهادگرایی لیبرال، روابط کشورها در نظام بین‌الملل ابتدا با همکاری اقتصادی شکل می‌گیرد و سپس به دیگر حوزه‌ها سرایت پیدا می‌کند. روابط ایران و ترکیه نیز به عنوان دو بازیگر مهم منطقه در دهه اخیر، نسبت به دوره‌های قبل از آن در حوزه‌های اقتصادی گسترش پیدا کرد. گسترش روابط اقتصادی بین دو کشور به تدریج زمینه همکاری‌های سیاسی-امنیتی را نیز فراهم آورد. با توجه به تعداد رفت و آمدهای مقامات دو کشور در چند سال گذشته می‌توان گفت که روابط دو کشور ثبات بیشتری نسبت به قبل یافته است. در کم‌تر از دو سال گذشته وزیر امور خارجه ترکیه ۱۰ بار به تهران سفر کرد و وزیر امور خارجه ایران نیز ۹ بار به آنکارا رفته است. همچنین در طول این مدت اردوغان هم سه بار به ایران سفر کرد. این امر نشانگر بهبودی روابط دو کشور است. در طول سه سال گذشته، چند برابر سه دهه گذشته هیئت‌های ایران و ترکیه بین دو کشور رفت و آمد داشتند. حجم مبادلات دو کشور اکنون به بیش از ۱۶ میلیارد دلار رسیده است. همچنین از بیانات مقامات دو کشور چنین بر می‌آید که سعی بر آن دارند که حجم مبادلات تجاری را تا مرز ۳۵ میلیارد دلار برسانند. در این راستا می‌توان به این گفته معروف داوود اوغلو در آذرماه ۹۲ در ایران اشاره کرد: «...آرزوی من این است که طرابوزان و بندرعباس، این راه‌های حمل‌ونقل، پرمشغله‌ترین بنادر شوند؛ زیرا آنها کوتاه‌ترین مسیر برای دستیابی به اروپا-آسیا هستند».

در پاسخ به سؤال مقاله که عبارت بود از این که رویکرد سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه چه تاثیری بر روابط اقتصادی ایران و ترکیه داشته است، با در نظر گرفتن اصول و مؤلفه‌های سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه و دیپلماسی اقتصادی ترکیه، و همچنین براساس اطلاعات آماری موجود (که در بخش‌های مختلف مقاله به آن اشاره شد)، ادعای این پژوهش این است که روابط اقتصادی ایران و ترکیه در دهه اخیر (از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴)، نسبت به گذشته و به خصوص دهه ۱۹۹۰ بهبود یافته است. هرچند که در این دوران شاهد برخی

تنش‌های سیاسی-امنیتی از جمله استقرار سپر دفاع موشکی در خاک ترکیه و بحران سوریه و... در روابط دو کشور هستیم، با این حال جهت‌گیری جدید حزب عدالت و توسعه در سیاست خارجی، ضمن کاهش تنش‌های سیاسی-امنیتی موجب تقویت همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور شد. بنابراین عامل اصلی در بهبود روابط اقتصادی دو کشور، رویکرد اقتصادی حزب عدالت و توسعه در سیاست خارجی شامل دکترین عمق استراتژیک داوود اوغلو، سیاست مشکلات صفر با همسایگان، رویکرد چندجانبه در سیاست خارجی، اتخاذ راهبرد برد-برد در سیاست خارجی، تاکید بر قدرت نرم، تلاش برای دستیابی به اقتصاد قدرتمند و تاکید بر وابستگی متقابل اقتصادی و تجارت آزاد در منطقه بوده است.



نکته قابل توجه این است که در حال حاضر در هر دو کشور ایران و ترکیه نخبگانی بر سرکار آمده‌اند که برنامه‌های مشابه‌ای در سیاست داخلی و به ویژه سیاست خارجی دارند. در ترکیه افرادی مثل رجب طیب اردوغان، عبدا... گل و احمد داوود اوغلو که از سال ۲۰۰۲ تا به امروز صحنه‌گردان سیاست ترکیه شده‌اند، نقش ایفاء می‌کنند و در ایران نیز اعتدال‌گرایانی بر سرکار آمده‌اند که در عرصه سیاست خارجی تفاوت چندانی با دولت اصلاحات سابق نداشته و عملاً نشان داده‌اند که ادامه‌دهنده راه اصلاحات هستند. افرادی چون حسن روحانی، محمدجواد ظریف که سال‌ها در دولت اصلاحات نیز در سمت‌های بالایی حکومتی تصمیم‌گیر عرصه سیاست خارجی بودند، امروزه سکان دولت در ایران را برعهده گرفته‌اند. اینکه امروزه هم در ترکیه و هم در ایران نخبگانی بر سرکار هستند که دید بین‌المللی و همچنین واقع‌گرایانه به مسائل مملکت‌داری دارند، آینده خوشبین‌کننده‌ای را برای



روابط اقتصادی دو کشور رقم می‌زند. نخبگان دولت اعتدال‌گرا همچون نخبگان حزب عدالت و توسعه، توسعه اقتصادی را در صدر برنامه‌های خود قرار داده‌اند و در عرصه سیاست خارجی دنبال تنش‌زدایی، تعامل سازنده و روابط مسالمت‌آمیز با دنیا هستند. این رویکرد فعالانه در سیاست خارجی به دلیل کاهش دادن فشارهای بین‌المللی علیه ایران، تاثیر مثبتی بر روابط با ترکیه خواهد گذاشت.

با تداوم حضور حزب عدالت و توسعه در قدرت، گرایش ترکیه به برقراری روابط حسنه با ایران افزایش یافته است. باید گفت که در دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه در ترکیه و اعتدال‌گرایان در ایران، دو کشور می‌توانند از فرصت به دست آمده بهره‌برداری لازم را نموده و با گسترش و تحکیم روابط اقتصادی، زمینه همکاری در همه حوزه‌ها را در درازمدت فراهم کنند. در این میان، نگاه دولت جدید ایران به همسایگان و به خصوص ترکیه با رویکرد کاهش تنش‌ها و ارتقای همکاری اقتصادی خواهد بود. ترکیه به لحاظ داشتن امتیازهایی از قبیل ثبات سیاسی، وضعیت سوق‌الجیشی آن در منطقه و دروازه اروپایی برای آسیا، خاورمیانه و ایران، قرارگرفتن در مسیر خطوط لوله نفتی و گازی به اروپا، نیروی متخصص و هزینه پایین تولید، دارای مزیت بسیار عالی برای تجارت و سرمایه‌گذاری در آن است. در یک سال گذشته دیدارهای مختلفی بین مقامات ایرانی و ترکیه وجود داشته که از جمله آنها می‌توان به سفر اردوغان به ایران و متقابلاً سفر روحانی، رئیس‌جمهور و محمدجواد ظریف، وزیر خارجه به ترکیه اشاره کرد که در نتیجه آن در موضوعات مختلف سیاسی و اقتصادی توافقاتی صورت گرفته است.

در این راستا، در اولین نشست شورای راهبردی ایران و ترکیه در دوره روحانی که به دعوت رسمی عبدالله گل، از تاریخ ۱۹ تا ۲۰ خرداد ۱۳۹۳ صورت گرفت، طرفین در رسیدن به روابط ۳۰ میلیارد دلاری تا سال ۱۳۹۵ تاکید کردند. آقای روحانی در سفر خود به ترکیه اظهار داشت که «سفر به ترکیه آغازی برای توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین دو کشور و همچنین همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است». حسن روحانی بر همکاری دو کشور در حوزه انرژی تاکید کرد و در خصوص همکاری‌های دو کشور در حوزه حمل و نقل بر تنظیم یک برنامه راهبردی و کلان و نادیده گرفتن برخی مشکلات جزئی با هدف دستیابی به اهداف

بزرگ، تاکید کرد.

با توجه به مسائلی که در این مقاله به آنها اشاره شد، به نظر می‌رسد روابط دو کشور در سال‌های آینده هرچه بیشتر همگراتر خواهد شد. می‌توان گفت که حادثترین مشکلی که در چند سال گذشته مانع همکاری دو کشور می‌شد، مسئله سوریه بوده است. امروزه به نظر می‌رسد مقامات ترکیه و ایران به این نتیجه رسیده‌اند که مدیریت مسائل سوریه بدون همکاری همسایگان این کشور و به خصوص ایران و ترکیه امکان‌پذیر نیست. هرچند که دو کشور اهداف متضادی در سوریه دنبال می‌کنند، اما امروزه مقامات ایران و ترکیه به خوبی می‌دانند که سوریه عرصه تاخت و تاز تروریست‌هایی شده که قدرتمند شدن آنها نه به نفع ترکیه است و نه به نفع ایران.

بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه در سال ۲۰۰۲، دوره جدیدی در روابط ایران و ترکیه شروع شد که متفاوت از دوران قبل است. روابط اقتصادی ایران و ترکیه در این دوره تحت‌تاثیر رویکرد دولت حزب عدالت و توسعه در سیاست خارجی بهبود یافت. دوره حاکمیت حزب عدالت و توسعه پایدارترین رابطه اقتصادی میان ایران و ترکیه را به وجود آورد. رابطه‌ای که حتی در اوج اختلافات دو کشور در خصوص مسئله سوریه، دچار آسیب جدی نشده و همچنان رو به گسترش بوده است. هرچند متغیرهای سیاسی بر روابط اقتصادی طرفین تأثیرگذار بوده، اما همواره یک منطق پراگماتیستی به خصوص بعد از روی کار آمدن اعتدال‌گرایان در ایران، مانع از آن بوده است تا روابط تجاری و اقتصادی دو کشور تحت‌تاثیر روابط سیاسی قرار گیرد. با این که روابط سیاسی سازنده بین ایران و ترکیه بی‌تردید بر مناسبات اقتصادی دو کشور تأثیرگذار خواهد بود، اما تجربه گذشته نشان می‌دهد که منافع ناشی از همکاری اقتصادی دو کشور زمینه حل و فصل مسائل سیاسی-امنیتی را نیز فراهم آورده است. در کل این پژوهش نشان می‌دهد که ایران و ترکیه به دلیل ساختارهای اقتصادی مکمل و همچنین مشترکات اقتصادی، سیاسی-امنیتی و فرهنگی-اجتماعی، می‌توانند همکاری‌های اقتصادی سودمندی را در زمینه‌های گوناگون داشته باشند.

بنابراین باید گفت که دو کشور ایران و ترکیه امروزه شرایط همکاری ایده‌آلی

دارند؛ چرا که وجود تهدیدات مشترک گروه‌های تروریستی و همچنین فرصت‌های اقتصادی مشترک و اقتصاد مکمل از یک طرف و حضور نخبگان دنیادیده، هوشمند و واقع‌بین در دولت‌های هر دو کشور از طرف دیگر، زمینه همکاری هرچه بیشتر را فراهم کرده است.

منابع

الف - فارسی

- ابهر، فاطمه. ۱۳۹۰. قدرت‌یابی اسلام سیاسی در ترکیه و تأثیر آن بر روابط منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و ترکیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
- اکبری، نورالدین. ۱۳۸۷. قدرت‌یابی اسلام‌گرایان در ترکیه و تأثیر آن بر روابط این کشور با جمهوری اسلامی ایران (۲۰۰۷-۲۰۰۲)، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۵.
- بنی‌هاشمی، میرقاسم. ۱۳۹۱. سیاست خارجی نوین ترکیه و موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، پژوهشنامه دفاع مقدس، شماره ۴.
- ثاقب، حسن و نوروزی، بیتا. ۱۳۸۹. بررسی زمینه همکاری‌های تجاری بین ایران و ترکیه در جهت انعقاد یک موافقتنامه تجارت ترجیحی دو جانبه، پژوهشنامه اقتصادی، سال نهم، شماره ۱.
- خبرگزاری فارس، خبر اقتصادی نفت و انرژی. ۶ آبان ۱۳۹۳.
- درخشه، جلال و دیوسالار، مجید. ۱۳۹۰. عوامل همگرا و واگرا در روابط ایران و ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه در ترکیه (۲۰۰۹-۲۰۰۲)، نشریه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره هفتم.
- رسولی، رویا. ۱۳۹۳. بررسی تحولات روابط ایران و ترکیه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه، پایان‌نامه، دانشگاه تهران.
- شکوهی، سعید. ۱۳۹۳. بررسی مولفه‌های دکترین عمق استراتژیک داوود اوغلو، تهران: مرکز بین‌المللی صلح، نشر پرس.
- صولت، رضا. ۱۳۹۰. ابعاد و رویکردهای سیاست خارجی حزب عدالت و توسعه ترکیه، پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- عبدی، ژاله. ۱۳۹۰. سیاست خارجی جدید ترکیه و جایگاه ایران ۲۰۱۰-۲۰۰۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.

ب) منابع انگلیسی

- Ari ,Tayyar. 2008. Ferhat, Piringçi. **Turkey's New Foreign Policy Towards The Middle.**

- Davutoglu, Ahmet. "Turkey's Foreign Policy Vision: An Assessment of 2007". **Insight Turkey**. Vol.10.
- Davutoglu, Ahmet. 2010. Turkish Foreign policy and The EU in 2010. **Turkish Politics Quarterly**. Vol. 8.
- Gareth, H. Jenkins. 2011. Tactical Allies and Strategic Rivals: Turkey's Changing Strategic Relation with Iran, **Central Asia Caucasus Institute**, Silk Road Studies Program 4.
- Ghorbani, Fahimeh. 2015. Role of Economy in Iran and Turkey Relations. **Iran Daily**.
- Grigoriadis, Ioannis. 2010. The Davutoglu And Turkish Foreign Policy. **Middle Eastern Studies Programme**.
- Habibi, Nader. 2012. Turkey and Iran: Growing Economic Relation Despite Western Sanctions. **Crown Center for Middle East Studies**.
- Haji Yousefi, Amir Mohammad & Emani, Hemmat. 2011. Turkey-Israel Relationship in the Past Decade and its Consequences for Iran. **Iranian Review of foreign Affairs**. Vol. 2.
- Kardash, Saban. 2010. Turkish Iranian Energy Cooperation in the Shadow of U.S. Sanction on Iran. **Eurasia Daily Monitor**. Vol 7. No. 144.
- Kinnander, Elin. 2010. The Turkish-Iranian Gas Relationship: Politically Successful. **Commercially Problematic**.
- Mc Curdy, Daphne. 2008. Turkish- Iranian Relation: When Opposites Attract. **Turkish Policy Quarterly**. Vol. 7.
- Oguzlu, Tarik. 2009. The Davutoglu Period in Turkish Foreign Policy. **Ortadogu Analiz**. Vol. 1.
- Poyraz, Serdar. 2009. Turkish-Iranian Relations: A Wider Perspective. **Foundation for Political Economic and Social Research**.
- Stephen, Larrabee. 2013. Turkish-Iranian Relations in a Changing Middle East. **Rand Corporation**.
- Today Zaman. 2012. Turkey's Halkbank to Handle Iran payments so Long as Legal.
- Today's Zaman, February 7, 2011.

ج) ترکی

- Centinsaya, Gokhan. 2007. Turk. Dis Politikasinda Iran Kaynakli Geleneksel Tehdit Algilamalari ve sii Jeopolitigi. Avarasya Dosyasi. Cilit. 13. Sayi.3.
- Turkish Statistical Institute (TUİK); (<http://www.tuik.gov.tr>)